

## جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم

\* عبدالهادی فقهیزاده

\*\* محمد برزگر

### ◀ چکیده:

نقد و بررسی اخبار و احادیث و کشف جعل یا تحریف در میان آن‌ها، از مسائل علم حدیث و به تبع آن، همین مسئله درباره اخبار و روایات سبب نزول آیات و سوره‌ها از مباحث علم تفسیر است. اخبار سبب نزول سوره تحریم از این زاویه، دارای اهمیت ویژه است؛ زیرا از یک سو ظواهر و سیاق آیات سوره، خبر از توطئه‌ای بزرگ توسط برخی همسران پیامبر اکرم ﷺ علیه رسالت ایشان می‌دهد؛ از سوی دیگر، اخبار سبب نزول، مسئله را در حد یک حсадت زنانه میان همسران پیامبر اکرم ﷺ تنزل داده‌اند. در این مقاله، ابتدا اخبار سبب نزول سوره از منابع و تفاسیر شیعه و اهل سنت، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و آنگاه با نشان دادن اضطراب متن و تعارض‌های این اخبار با یکدیگر و سپس تبیین موارد مخالفت آن‌ها با ظواهر و سیاق آیات سوره، دیدگاه جعلی‌بودن یا تحریف در این اخبار را تقویت کرده است. در پایان مقاله، خطوط کلی سبب نزول سوره، برگرفته از تحلیل ظواهر و سیاق آیات بیان شده تا روشن شود چگونه این اخبار، برای مخدوش کردن پیام محوری سوره، جعل یا لائق برای پنهان کردن گوشش‌هایی از حقیقت، تحریف شده‌اند.

### ◀ کلیدواژه‌ها: اسباب نزول قرآن، سوره تحریم، جعل و تحریف، ظواهر آیات، سیاق آیات.

\* استاد دانشگاه تهران / faghahizad@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، نویسنده مسئول /

mohammadbarzegar@gmail.com

### بیان مسئله

از آغاز دعوت پیامبر اکرم ﷺ در جهت گسترش توحید و عدالت، عده‌ای به احاء گوناگون برای خاموش کردن نور الهی کوشش کردند. پس از گسترش دین الهی، آنان به ابزار فرهنگی روی آورده و بهترین راه مبارزه با دعوت پیامبر اکرم ﷺ را تحریف حقایق آن دانستند. در این راستا، منابع اصیل دینی مورد هجمه قرار گرفت و جعل و تحریف در خصوص آن‌ها ظهور کرد. از آنجاکه اصل قرآن و الفاظ وحیانی آن قابل دست‌کاری و جابه‌جایی نبود، مخالفان به جعل و تحریف روایات پرداختند؛ این توطه از دوران پیامبر اکرم ﷺ آغاز شد و ایشان در زمان حیات خود، این خطر را اعلام کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۲-۶۴) اهل بیت علیہ السلام نیز در مواردی با یادآوری این هشدار پیامبر اکرم ﷺ، بطلان برخی روایات منقوله را نشان دادند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۹) طبعاً در این میان، مسائل روایات مرتبط با قرآن نیز از آسیب جعل و تحریف دور نماند. (نک: عسکری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ عاملی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷۸؛ ناصحیان، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵-۱۶) چنان‌که برای مثال روایات اسباب نزول، بعض‌رنگ و بوی ضعف، ارسال، جعل و تزویر را به خود گرفت. (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۵۳) اخبار سبب نزول سوره تحریم از جمله این موارد است. در این سوره به افشاری توطه‌ای خطرناک که دامنه آن می‌تواند اجتماع مسلمانان و آینده امت اسلام را تهدید کند، پرداخته شده است. (نک: بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۴۲-۴۷؛ عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳-۳۴؛ میر باقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۶-۱۸۷) اخبار سبب نزول این سوره علی‌رغم اشکالات درونی، اضطراب در متن و اختلافات با یکدیگر و تعارضات با ظواهر آیات سوره، در تفاسیر شیعه و اهل سنت، تلقی به قبول شده و هر مفسری مطابق با گرایش خود، گوشی از آن‌ها را انتخاب کرده است؛ با این‌همه، گروهی از مفسران و محققان با تردید به این اخبار نگریسته و هیچ‌کدام از این اخبار را نپذیرفته (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۷-۳۴۰) یا برخی از این اخبار را مجعل و محرف دانسته‌اند. (بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۵۰)

### ۱. مفهوم جعل و تحریف در اخبار سبب نزول

جعل در روایات اسباب نزول، عبارت است از نسبت دادن آیه یا آیاتی از قرآن کریم به

شخص یا جریانی که نقشی در نزول آن نداشته‌اند و به تعبیر دیگر، ایجاد ارتباط بین آیات و جریان‌ها یا اشخاصی که هیچ پیوندی بین آن‌ها نبوده است؛ چنان‌که تحریف در اسباب نزول، گونه‌ای تغییر و ایجاد دگرگونی درباره واقعه یا شخصی است که منشأ نزول آیه‌ای از آیات قرار گرفته است؛ حال فرقی نمی‌کند که این تبدیل و دگرگونی، در نفس حادثه باشد یا در جوانب مربوط به آن. برای مثال، ممکن است برخی از کلمات روشن و پیام دار از متن روایتی حذف شود و واژه‌های مجمل و مبهم به جای آن گذاشته شود، تا نتایج باقیسته از روایت دریافت نگردد. (صدر و ریانی، ۱۳۷۴ش، ص ۸۰)

## ۲. شیوه صحیح مواجهه با اخبار سبب نزول

هر چند اخبار سبب نزول می‌توانند شارح جزئیات و بیان‌کننده مصادیق آیات سوره‌های قرآن باشند، اما این در صورتی است که این اخبار، با ظواهر و سیاق آیات سوره مخالفتی نداشته باشند. بیشتر مفسران با آنکه گاه در مقام نظر به آنچه بیان شد گرایش دارند، اما معمولاً در مقام عمل بدین شیوه پای‌بند نبوده؛ از این‌رو در آیات مورد بحث نیز به همین طریق عمل کرده‌اند. (نک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۳-۱۰۱؛ طوسی، بی‌تاء، ج ۱۰، ص ۴۵-۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۱)؛ ریشه‌های این نگاه را باید در مصنفات اولیه اسباب نزول پی‌گیری کرد؛ آنجا که تفسیر آیات قرآن و کشف مقصود آن‌ها را بدون دانستن قصه سبب نزول آن غیرممکن می‌داند. (واحدی، ۱۳۸۸ق، ۱۰)

علامه طباطبائی از معدود مفسرانی است که هم در مقام نظر و هم تا حد زیادی در مقام عمل به آنچه بیان شد، پای‌بند است و درباره آیات این سوره و سبب نزول آن نیز چنین عمل کرده است. علامه طباطبائی معتقد است که قرآن کریم در بیان مقاصد خود که معارفی جهانی و جاودانه است، نیازی به روایات اسباب نزول ندارد (طباطبائی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۶) و خطوط کلی سبب نزول (نه مصادیق و جزئیات آن) را می‌توان از مجموع ظواهر آیات سوره‌ها و سیاق آن‌ها به دست آورد؛ و اخبار سبب نزول بعد از اثبات عدم مغایرت با قرآن و کسب اعتبار، تنها می‌توانند به تفصیل و قایع سبب نزول

قرآن و تعیین مصادیق خاص آیات آن در زمان نزول بپردازد نه آنکه بدون این اخبار، مفاهیم آیات حتی با کمک از آیات دیگر درون همان سوره یا سوره‌های دیگر، قابل درک نباشد.

اعتقاد فوق برخاسته از نگاه تفسیری قرآن به قرآن و جایگاه دیگر منابع، در این نوع از تفسیر است. در این روش تفسیری، قرآن در حد ظواهر خود که عهده‌دار خطوط کلی دین است، مستقل و گویا بوده (جوادی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۵۴) و فهم پیام قرآن بدون مراجعه به هیچ روایت، گام اول در تفسیر قرآن (همو، ۱۳۸۸ش، ۱۳۱) و به منزله خطوط کلی، اساسنامه و قانون اساسی ای است که باید در مسیر معرفت قرآن کریم و روایات در نظر باشد. (همان، ص ۱۲۹) البته بعد از این مرحله و به ارشاد و استناد ظواهر قرآن (همان، ص ۱۳۲)، منابع دیگر به خصوص سنت معصومان علیهم السلام، عهده‌دار تبیین جزئیات و تفصیل کلیات شریعت است. (همان، ج ۱، ص ۱۶۰) از این حیث، اسباب نزول نیز گاه به عنوان روایتی از معصوم علیهم السلام و گاه به عنوان نقلی تاریخی، بعد از عدم مغایرت با خطوط کلی قرآن و کسب اعتبار، می‌تواند به عنوان منبعی معتبر برای شناخت تفصیلی‌تر اسباب نزول آیات سوره‌ها، جزئیات واقعه تاریخی آن و تشخیص مصادیق خاص آیات در زمان نزول و آگاهی دقیق‌تر از وقایع صدر اسلام، مورد بررسی قرار گیرد.

از این رو شیوه صحیح برخورد با روایات اسباب نزول مانند مواجهه با حدیث است؛ چراکه حدیث نیز در اعتبار خود به تأیید قرآن کریم نیازمند است و برای این اساس، چنان‌که در اخبار بسیاری از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت صلوات الله علیهم وارد شده، باید حدیث را به قرآن عرضه کرد. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹) بنابراین سبب نزولی که در ذیل آیه‌ای وارد شده، در صورتی که متواتر یا خبر قطعی الصلدور نباشد، باید به آیه مورد بحث عرضه و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرایینی که در اطراف آیه موجود است با آن سازگار بود، به سبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه و سیاق آن تأیید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد. به این ترتیب، اگرچه مقدار زیادی از اسباب نزول سقوط می‌کند، آنچه از آن‌ها می‌ماند، معتبر شده (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۶) و از این رو می‌تواند شارح جزئیات حقایق

تاریخی قرآن قرار گیرد.

در عین حال، باید توجه داشت که عرضه اخبار سبب نزول بر قرآن نه صرفاً یک امر پسندیده است، بلکه به عنوان امری ضروری باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا بسیاری از اخبار سبب نزول به دلیل تناقصات فراوان، نقل به معنا و شیوع جعل و دس و به خصوص دخول اسرائیلیات، غیرقابل اعتماد بوده (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۳-۱۷۵) و رنگ و بوی ضعف، ارسال، جعل و تزویر را به خود گرفته‌اند. (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۵۳) علاوه بر آن، اختلافات مذاهب دینی در لحن این اخبار اثرگذار بوده و اوضاع سیاسی که در هر زمانی حاکم بوده، اثری جدی در احفای اصل حقایق و ماندن آن‌ها در هاله‌ای از ابهام داشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۳۵) از سوی دیگر، تعداد زیادی از این اخبار نه مشافهه فرد ناقل، بلکه اجتهادات شخصی وی بوده‌اند (همو، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۳) و در واقع بسیاری از اخبار سبب نزول متعلق به کسانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده (نکونام، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۱) و بنابر نظریه شخصی خویش، آیات قرآن را به رخدادهایی که قبل یا بعد نزول آیه رخ داده، تطبیق کرده و آن را به حساب سبب نزول آن آیه به حساب می‌آورده‌اند. (جوادی، ۱۳۸۱ش، ج ۱۳، ص ۵۳۸)

### ۳. اخبار سبب نزول سوره تحریم

چنان‌که از آیات سوره تحریم مشخص است، این سوره و به‌ویژه آیات ابتدایی آن از ماجراهای در خانهٔ پیامبر اکرم ﷺ سخن می‌گوید که یک سوی آن رازگویی پیامبر اکرم ﷺ با یکی از همسران و سپس افسای راز از سوی آن زن (تحریم: ۳) و طرف دیگر آن سوگند بر تحریم یک حلال بر خویشتن از سوی پیامبر اکرم ﷺ بوده است. (تحریم: ۱-۳). منابع روایی و تفسیری فریقین دربارهٔ سبب نزول این سوره، اخبار پراکنده و متفاوتی را نقل کرده‌اند. با توجه به این نقل‌ها، اخبار سبب نزول سوره تحریم را می‌توان به سه دستهٔ کلی به شرح ذیل تقسیم کرد:

دستهٔ اول: رسول اکرم ﷺ در منزل زینب دختر جحش بیشتر توقف می‌کرد؛ زیرا زینب شربت عسلی را که تهیه کرده بود به آن حضرت می‌نوشانید؛ از این رو عایشه با حفظه قرار می‌گذارند که رسول اکرم ﷺ به منزل هریک از ما که داخل شود بگوییم: از

دهان شما بوی مغافیر<sup>۱</sup> می‌آید، مگر از آن خورده‌اید؟! آن زنان چنین کردند و پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمودند که دیگر هرگز از آن نخواهم خورد. آنگاه پیامبر اکرم ﷺ از عایشه می‌خواهند که این تحريم را مانند سرّی پیش خود امانت نگه دارد؛ اما عایشه سرّ را فاش می‌کند. این داستان گاه به همین صورت و گاه با تفاوت در افراد و تعییرها در منابع فریقین آمده است.(نک: بخاری، ج ۶، ح ۱۴۰۱؛ طبری، ج ۱۴۱۲، ح ۲۸؛ ص ۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۵؛ طبرسی، ج ۱۳۷۲، ش ۱۳۶۷؛ فخر رازی، ج ۱۴۲۰، ح ۳۰؛ سیوطی، ج ۱۴۰۴، ح ۶، ص ۵۶۸)

**دسته دوم:** رسول اکرم ﷺ در روز نوبت حفصه در خانه او بود و ماریه قبطیه به وی خدمت می‌کرد. حفصه به حاجتی از خانه خود بیرون رفت و در این اثنا رسول اکرم ﷺ با ماریه هم خوابه شد، و چون حفصه از این ماجرا آگاهی پیدا کرد، خشمناک شد و نزد رسول اکرم ﷺ رفت و گفت: یا رسول الله، در روز من و در خانه من و بر بستر من، چنین کردی؟ حضرت ﷺ از حرف‌های آن زن، احساس شرمندگی کرد و گفت: بس کن؛ من ماریه را بر خود حرام کردم و پس از این، دیگر هرگز با او نزدیکی نخواهم کرد. پیامبر اکرم ﷺ از حفصه می‌خواهد که این تحريم را مانند سرّی پیش خود امانت نگه دارد؛ اما حفصه سرّ را فاش می‌کند. این داستان گاه به همین صورت و گاه با تفاوت در افراد و تعییرها در تفاسیر فریقین آمده است.(نک: قمی، ج ۱۳۶۷، ش ۱۳۷۶؛ طبری، ج ۱۴۱۲، ح ۲۸، ص ۱۰۱-۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۵-۴۶؛ طبرسی، ج ۱۳۷۲، ش ۱۳۶۷؛ فخر رازی، ج ۱۴۲۰، ح ۳۰؛ سیوطی، ج ۱۴۰۴، ح ۶، ص ۵۶۸)

**دسته سوم:** تفاوت دسته سوم با دسته دوم در این است که پیامبر اکرم ﷺ بعد از تحريم ماریه بر خود، حفصه را به خلافت ابوبکر و عمر بعد از خود خبر داد و از او خواست این سرّ را افشا نکند؛ اما حفصه آن را فاش کرد.(نک: قمی، ج ۱۳۶۷، ش ۱۳۷۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۶-۴۷؛ طبرسی، ج ۱۳۷۲، ش ۱۳۶۷؛ فخر رازی، ج ۱۴۲۰، ح ۳۰؛ سیوطی، ج ۱۴۰۴، ح ۶، ص ۵۶۸)

(شایان ذکر است که در برخی از این نوع اخبار سبب نزول، برای ماجرا ادامه‌ای نیز بدین صورت نقل شده است: بعد از آنکه حفصه این سرّ را برای عایشه فاش کرد، عایشه نیز آن را برای

پدرش ابوبکر بیان کرد؛ در این هنگام ابوبکر بلا فاصله پیش عمر آمده و گفت: عایشه از قول حفصه چنین خبری به من داده ولی من به قول عایشه اطمینان ندارم، ای عمر برو از دخترت این خبر را سؤال کن که اگر راست بود، مقدمات آن را از حال فراهم کنیم. عمر از حفصه دخترش سؤال کرد، حفصه اولاً انکار کرد پس از اصرار گفت: بلی پیامبر اکرم ﷺ این سخن را فرمود. ابوبکر و عمر با هم شور و مشورت کردند و تصمیم گرفتند که پیغمبر را مسموم کنند، پس جبرئیل این سوره را بر پیامبر اکرم ﷺ نازل کرد. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۴۶) در این میان، شیخ مفید نیز در برخی بحث‌های کلامی خود، بدون اشاره به ارتباط این بحث با بحث آیات قبل و بدون ذکر سند و فقط با این عبارت که «در احادیث شیعه آمده است»، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن سرّ خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم ﷺ بوده است. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)

#### ۴. اهم اشکالات اخبار سبب نزول سوره تحریم

با صرف نظر از ملاحظه‌های سندی، دو اشکال عمدۀ در این اخبار وجود دارد که اعتماد خواننده محقق را به این اخبار بسیار کم کرده و حتی احتمال جعل کامل یا جزئی و حتی شاید جعل مجموعی را در این آثار بالا می‌برد. آن دو اشکال عمدۀ عبارت‌اند از:

۱. اضطراب متن و تعارض‌های درونی؛
۲. مخالفت با ظواهر و سیاق آیات سوره

##### ۱- اضطراب متن و تعارض‌های درونی

با دقیق نظر در مفاد اخبار سبب نزول سوره، اضطراب متن این اخبار و تعارض‌های آن‌ها با یکدیگر، بروز پیدا می‌کند. این اخبار حداقل در شش جهت با یکدیگر اختلاف و تعارض دارند؛ جهات شش گانه تعارض عبارت‌اند از:

۱. این اخبار در حالی که پیامبر اکرم ﷺ بر خود حرام کرد، اتفاق نظر ندارند: برخی آن را همبستر شدن با ماریه می‌دانند (اخبار دسته دوم) و برخی خوردن شربت عسل (اخبار دسته اول).

۲. اخباری که ماجرا را خوردن شربت عسل می‌دانند، در اینکه پیامبر اکرم ﷺ آن عسل را در خانه کدامیک از همسرانش خورده است، هم‌دانستان نیستند. برخی آن را زینب بنت جحش می‌دانند؛ برخی سوده، عده‌ای ام سلمه و در نهایت بعضی حفصه.

(نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ سیوطی، ج ۶، ص ۱۴۰۴)

۳. این اخبار گاه همدست عایشه در توطئه چینی علیه همسر دیگر پیامبر اکرم ﷺ را حفظه می‌دانند و گاه برخی همسران را همدست عایشه بر علیه حفظه! (نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۷۲)

۴. اخباری که ماجرای سوره را تحریم ماریه می‌دانند، گاه افشاکننده سرّ را حفظه می‌دانند و گاه عایشه. (نک: سیوطی، ج ۶، ص ۲۴۱)

۵. این اخبار گاه سرّ را تنها تحریم ماریه، گاه خبر خلافت ابوبکر و عمر و گاه هر دوی این‌ها می‌دانند. (نک: قمی، ج ۲، ص ۳۷۶؛ سیوطی، ج ۶، ص ۱۴۰۴)

(۲۴۱-۲۳۹)

۶. اخباری که سرّ را بحث خلافت می‌داند، گاه به گونه‌ای بیان شده که گویی خلافت را شایسته ابوبکر و عمر می‌داند (فخر رازی، ج ۳۰، ص ۵۶۸)، گاه خلافت این دو تن را غاصبانه می‌داند (مجلسی، ج ۲۲، ص ۲۴۶) و گاهی سرّ را نه خلافت ابوبکر و عمر بلکه آن راز را خلافت بر حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر می‌شمارد. (مفید، ج ۱۴۱۳، ص ۷۷)

## ۲-۴. مخالفت با ظواهر و سیاق آیات سوره

اضطراب متن و تعارض‌های اخبار سبب نزول سوره با یکدیگر، موجب خدشه‌دار شدن اعتماد به این اخبار می‌شود؛ با این‌همه، اگر بنا را بر صحبت همه یا برخی از این اخبار بگذاریم، باز هم نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت؛ زیرا محتوای این اخبار با مفاد برآمده از ظواهر و سیاق آیات سوره سازگار نیست. رئوس موارد مخالفت اخبار سبب نزول با ظواهر و سیاق آیات سوره عبارت‌اند از:

**الف. عدم مطابقت داستان‌های مطرح شده با فضا و سیاق کلی سوره:** عمدت‌ترین اشکال اخبار سبب نزول، عدم مطابقت آن‌ها با فضا و سیاق کلی سوره است؛ چنان‌که در جمع بندي اخبار سبب نزول بیان شد، فضایی که این اخبار ترسیم می‌کنند، حکایت از حсадت زنانه برخی از همسران پیامبر اکرم ﷺ به یکدیگر می‌کند که باعث ناراحتی پیامبر ﷺ شده است؛ اما آنچه از آیات سوره به دست می‌آید، نشان از توطئه‌ای خطernak علیه پیامبر اکرم ﷺ دارد. این مطلب، دلایل فراوانی از سوره دارد که به چهار مورد آن

اشاره می شود:

اولاً در آیه چهارم، به آن دو زن حتی در صورت توبه نیز وعده بخشایش را نمی دهد؛ بلکه توبه را وظیفه ایشان به خاطر انحراف قلوبیشان می داند: «إِن تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۱) و این برخلاف دأب قرآن کریم است که هرجا بحث توبه را مطرح می کند، نوید بخشش خدا را می دهد مانند آیه هشتم همین سوره؛ و این خود نشان از گناهی بس بزرگ توسط آن دو زن می دهد نه فقط یک حсадت زنانه! حتی بنا به نظر برخی، عبارت «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» که در جایگاه جواب شرط است، نشان از عدم توبه کردن آن دو زن و دست برنداشتن آنها از توطئه می دهد. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۳؛ میرباقری، ۱۳۹۰، ش ۱۸۶)

ثانیاً خداوند در طرف مقابل توبه، تبانی و ظاهر علیه پیامبر اکرم ﷺ را مطرح می کند؛ و این یعنی کاری که ایشان باید از آن توبه کنند؛ تبانی و توطئه علیه پیامبر اکرم ﷺ است: «وَ إِن تَظَاهِرَا عَلَيْهِ...» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۱)

ثالثاً خداوند در پاسخ به توطئه و تبانی آن دو زن علیه پیامبر اکرم ﷺ و در تأیید و پشتیبانی ایشان، چنان با لشکریان خود وارد صحنه می شود که در هیچ جای قرآن، چنین پشتیبانی ای سابقه ندارد: «وَ إِن تَظَاهِرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجَبِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» و این خود، بهترین نشان بر این است که ماجراهی این سوره، یک امر ساده و یک خبط زنانه نبوده، بلکه توطئه‌ای خطرناک علیه پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده است. (نک: عسکری، ۱۳۹۰، ش ۲۶-۳۰)

رابعاً در ادامه سوره و در آیه دهم، در بیان تمثیل دو همسر خیانتکار پیامبر اکرم ﷺ، مثال دو زن خائن و کافر دو پیامبر الهی- نوح علیہ السلام و لوط علیہ السلام- را می زند که خدا به ایشان فرمان دخول در آتش را داده است. (همانجا؛ میرباقری، ۱۳۹۰، ش ۱۹۲، ص ۱۹۲) قطعاً مقایسه آن دو زن پیامبر اکرم ﷺ به صرف یک حсадت زنانه، با دو زن کافر، خائن و جهنمی دو نبی الهی، نمی تواند امری عقلایی باشد!

ب. عدم مطابقت ترتیب زمانی و قایع اسباب نزول با چیش زمانی مطرح در سوره: دومین اشکال مهم اخبار سبب نزول آن است که این اخبار ماجراهی تحریم را قبل از افشاء سرّ می دانند، درحالی که از ظواهر سوره به دست می آید که ابتدا ماجراهی

افشای سرّ خ داده و آنگاه ماجرای تحریم صورت گرفته است. مستند این مطلب، آن است که آنچه در حال نزول سوره رخ داده، ماجرای تحریم است؛ ازین‌رو، سوره با آن آغاز و با فعل مضارع از آن یاد می‌کند «تُحَرِّم»، درحالی که ماجرای افشاری سرّ را برای بیان ریشه داستان تحریم و با ظرف زمان گذشته «إِذْ» و فعل ماضی مطرح می‌کند «وَإِذْ أَسْرَ اللَّبِي...».

## ۵. نقدهای گروهی از محققان به اخبار سبب نزول سوره تحریم

غالب مفسران علی‌رغم اضطراب متن و تعارض‌های روشن این اخبار با یکدیگر و مخالفت‌های آن با ظواهر و سیاق آیات سوره، همه یا برخی از اخبار سبب نزول سوره را تلقی به قبول کرده‌اند. اما در این میان، برخی از مفسران و محققان به گوشه‌ای از اشکال‌هایی که بیان شد، اشاره کرده‌اند.

علامه طباطبائی در *المیزان*، با عرضه اخبار سبب نزول سوره بر ظواهر آیات آن، به اشکالات هر دسته از این اخبار اشاره کرده و هیچ‌کدام از این اخبار را قابل اعتماد نمی‌داند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۳۷-۳۴۰) ملاحویش از مفسران اهل سنت، با اشاره به گوشه‌ای از موارد تعارض این اخبار، آن‌ها را دارای تضارب، اختلاف و اضطراب دانسته و ازین‌رو، آن‌ها را موضوع یا محرف برمی‌شمارد و فقط به یک نقل خاص از روایت دسته اول، به‌خاطر نقل آن در صحیحین اعتماد می‌کند. (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۲۳۱-۲۳۲) برخی محققان نیز با تحقیق جامع دریاره تمامی اخبار سبب نزول سوره، محتوای این اخبار را دارای تعارضاتی با آیات سوره و محتوى موارد مخالف عقل سليم دانسته‌اند و در مجموع هیچ‌کدام از این اخبار پراکنده را شایسته سبب نزول بودن برای سوره ندانسته و صرفاً دلالات کلی این اخبار مبنی بر وجود توطئه‌ای اجتماعی علیه پیامبر اکرم ﷺ را که در خانه ایشان نیز نفوذ کرده، پذیرفته‌اند. (نک: خامه‌گر و سلمان‌زاده، ۱۳۹۲ش، ص ۹۶-۱۲۰)

اما اشکالات مربوط به مسئله سرّ به‌طور خاص، محققان شیعی را به تکاپو و اداسته است؛ بهویژه از آن جهت که برخی مفسران اهل سنت در تفسیر خویش باتوجه‌به اخباری که خبر از بشارت پیامبر اکرم ﷺ به حفصه درخصوص خلافت ابوبکر و عمر داده، این امر را مستندی برای حقانیت خلافت ایشان دانسته و ازین‌رو شیعه را که

خود نیز در برخی از مهم‌ترین تفاسیرشان مانند مجتمع‌البيان به این اخبار اشاره کرده‌اند، ناچار از پذیرش حقانیت خلافت ابوبکر و عمر می‌داند.(الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۴۶) براین‌اساس، یکی از مفسران شیعه بعد از نقل بعضی از اخبار درباره سر، آن‌ها را بسیار سبک دانسته و آن‌ها را از بین‌برنده دغدغه خاطر و اقناع‌کننده نمی‌داند و در تفسیر خود هیچ اشاره‌ای به اینکه آن سرّ چه بود، نمی‌کند و علم آن را به خدا واگذار می‌کند.(قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۱، ص ۲۳۱-۲۳۲) علامه عسکری با توجه‌به فضای انذار، سرزنش و تهدید سوره که از ظواهر و سیاق آیات سوره به‌دست می‌آید، اخبار مبنی بر بشارت خلافت ابوبکر و عمر را تأویل ناروای پیروان مکتب خلفاً دانسته و این اخبار را پیش‌گویی پیامبر اکرم ﷺ از مصیبت‌ها و ظلم‌هایی که بر امت اسلام پیش خواهد آمد، می‌داند و از این‌رو مجموع آیات این سوره و داستان سبب نزول آن را نشان از آمادگی و توطئه ابوبکر و عمر برای غصب خلافت بعد از پیامبر اکرم ﷺ می‌داند.(نک: عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳-۳۱) در این میان، بعضی از محققان شیعی هم با نقد و بررسی تفصیلی اخبار سبب نزول سوره، محتوای روایات دسته سوم و چهارم را به خصوص درباره مسئله سرّ، جعل راویان اهل سنت دانسته که حتی به منابع شیعی راه پیدا کرده و از این‌رو، آن اخبار را رد کرده و فقط روایات دسته اول را می‌پذیرد.  
(نک: حسینی فاطمی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۳-۱۲۹)

#### ۶. خطوط کلی سبب نزول سوره با تحلیل مفاد آیات آن

آنچه گفتیم نشان می‌دهد احتمال جعل یا تحریف اخبار سبب نزول سوره تحریم به‌سبب اضطراب متن و تعارض‌های با یکدیگر و مخالفت‌های عملده با ظواهر و سیاق آیات سوره، دور از واقعیت نیست؛ از این‌رو این اخبار نمی‌تواند ما را در شناخت سبب نزول سوره کمک کند و حتی ذهن انسان را از جهت‌گیری سوره دور می‌کند.  
از زاویه تفسیر قرآن به قرآن، افزون بر آنکه روایات اسباب نزول را باید با ظواهر و سیاق آیات نقد و بررسی کرد، حتی می‌توان به خطوط کلی سبب نزول سوره دست یافت. از این‌رو از دیدگاه علامه طباطبائی، ظواهر قرآن، تعابیر و جزئیات ارائه شده در خود آیات و سیاق آن‌ها در ترسیم اسباب نزول اهمیت فراوانی دارند(نقیسی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶۶) و ایشان در مواردی به همین شیوه، سبب نزول اجمالی آیات سوره

را به دست آورده است. (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۴ و ۲۹) بر این مبنای در این قسمت تلاش این است که با نگاهی تحلیلی به مفادی که از ظواهر و سیاق آیات سوره به دست می‌آید، خطوط کلی سبب نزول سوره فهمیده شود.

چنان‌که گفتیم، وقایع مربوط به سوره دو محور اصلی دارد: واقعه افسای سر و ماجراهی تحریم حلال. ماجراهی تحریم به سبب فعل مضارع آن «تحریر» باید بعد از ماجراهی افسای سر که از آن با ظرف زمان گذشته «إذ» و فعل ماضی یاد می‌شود «وإذ أَسْرَ النَّبِيَّ»، اتفاق افتاده باشد، لذا بنابر آیه سوم، ماجراهی سوره از آنجا آغاز می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ سری را به یکی از همسرانش مطرح کرده و آن زن نیز آن راز را افسای می‌کند: «وإذ أَسْرَ النَّبِيَّ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاحِهِ حَدِيثًا قَلَمَّا تَبَأْتُ بِهِ...». در ادامه، خدای عالم غیب و شهادت، پیامرش را از این ماجرا مطلع کرده و ایشان نیز برخی از زوایای ماجرا را بازگو می‌کند: «فَلَمَّا تَبَأْتُ بِهِ وَأَطْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرْفَ بَعْضَهُ وَأَغْرَضَ عَنْ بَعْضِهِ...». از ضمایر مثنای آیه چهارم؛ مانند: «تَوْبَا»، «قُلُوبُكُمَا» و «تَظَاهَرَا» و اینکه در آیه اول و پنجم سوره، سخن از زنان پیامبر اکرم ﷺ مطرح است، به دست می‌آید که آن زن، راز را برای یکی دیگر از همسران پیامبر اکرم ﷺ فاش کرده و این کار نیز مقدمه‌ای برای توطئه علیه پیامبر اکرم ﷺ بوده است: «وَإِنْ تَظَاهِرَا عَلَيْهِ». البته با توجه به ضمایر جمع مؤنث موجود در آیه یک و پنج، مشخص می‌شود که همسران دیگری علاوه‌بر این دو نفر نیز یا به گونه‌ای در این ماجرا شرکت داشته‌اند یا لااقل خطر افتادن در این ورطه را داشته‌اند که در آیه پنج، ایشان را نیز به طلاق تهدید می‌کند: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ».

طبعاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیامبر اکرم ﷺ برای مقابله با توطئه این زنان، طلاق ایشان بوده است؛ زیرا همسر پیامبر بودن برای آن‌ها یک جایگاه اجتماعی مهم محسوب شده و از این‌رو طلاق برای زنان پیامبر اکرم ﷺ تبعات اجتماعی مهمی داشته است. از آیه پنجم سوره که بعد از عتاب شدید آیه چهارم، از احتمال طلاق همسران پرده بر می‌دارد و در حمایت از پیامبر اکرم ﷺ ایشان را وعده به همسرانی مسلم، مؤمن و فرمانبردار در صورت طلاق همسران فعلی اش می‌دهد، به دست می‌آید که چنین گزینه‌ای از سوی پیامبر اکرم ﷺ برای رفع توطئه مطرح بوده است. در برخی از اخبار، سبب نزول قرینه‌ای برای این بحث وجود دارد؛ زیرا در این اخبار آمده است که پیامبر

اکرم ﷺ بعد از نزول سوره، زن افشاکننده راز را طلاق و حدود یک ماه از بقیه زنانش فاصله گرفت، به طوری که شایعه تصمیم آن حضرت درباره طلاق آنها منتشر شد و ایشان سخت به وحشت افتادند.(نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ طبری، ج ۲۸، ص ۱۰۵؛ سیوطی، ج ۶، ص ۲۴۲-۲۴۳) با این بیان مشخص می‌شود که حلال مورد نظر در آیه یک، چنان‌که برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند(بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۴۶) امر طلاق همسران بوده است. تصریح این آیه با عبارت «مَا أَخْلَلَ اللَّهُ لَكُمْ» علاوه‌بر تأکید بر حلال بودن این امر، قرینه‌ای است بر اینکه که امر حلال مورد نظر امری عمومی بود، باید با تعییر «مَا أَخْلَلَ اللَّهُ لَكُمْ» از آن یاد می‌شد، چنان‌که در آیه دوم از امر گشودن سوگند با این تعییر یاد می‌کند: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلِلَةً أَيْمَانِكُمْ».

از آیه دوم سوره به دست می‌آید که پیامبر اکرم ﷺ این حلال را با سوگند بر خود حرام کرده است: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلِلَةً أَيْمَانِكُمْ». علتی که آیه اول برای این تحریم مطرح می‌کند، رضایت همسران است: «تَبَغَّى مَرْضَأَةً أَزْوَاجِكَ». با این مطلب، یک سؤال کلیدی برای فهم ماجرا مورد نظر سوره رخ‌نمایی می‌کند و آن اینکه چرا با وجود خیانت و توطئه این همسران، پیامبر اکرم ﷺ به جای اینکه ایشان را طلاق دهد، برای کسب رضایتشان، طلاقشان را بر خود حرام کرد؟! پاسخ این سؤال نیز با دقت در آیه چهارم روشن می‌شود. این آیه به دو فرض (۱. توبه زنان از توطئه انجام گرفته؛ ۲. تظاهر و ادامه توطئه)، پاسخ بسیار شدید اللحن داده است: «إِن تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَفَّتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهِرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» و این مشخص می‌کند که ایشان همین دو حالت را پیش روی پیامبر اکرم ﷺ قرار داده‌اند؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ را در صورت طلاق، تهدید به ادامه توطئه کرده‌اند و توبه خود را منوط به تحریم طلاق دانسته‌اند. لذا پیامبر اکرم ﷺ از روی کمال بزرگواری و جهت دادن فرصتی دوباره و برای حفظ مصلحت امت اسلامی با سوگند، این حلال الهی را بر خود حرام کردند تا شاید رضایت ایشان را به دست آورده و ایشان را از ادامه توطئه بازدارند. با این بیان، روشن می‌شود که چرا وحی الهی ابتدا در آیه چهارم سوره رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر اکرم ﷺ تعیین کرده

بودند، پاسخ می‌دهد؛ بدین شرح: اگر شما دو تن توبه کنید، نه تنها هیچ متى بر پیامبر اکرم ﷺ ندارید و وعده‌ای هم به شما در آمرزش گناه عظیمتان نمی‌دهم، بلکه باید بدانید که راهی جز توبه ندارید که قطعاً قلوب شما منحرف شده است: «إِنْ تَوَبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَفَتْ قُلُوبُكُمَا»؛ اما اگر بخواهید توبه نکرده و علیه پیامبر اکرم ﷺ تبانی کنید، بدانید که من مولای او هستم و جبرئیل، صالح مؤمنان و همه ملائکه نیز پشتیان او هستند: «وَإِنْ تَظَاهِرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجَبَرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَاهِيرٌ». ازاین رو، کارتان به جایی نخواهد رسید و آنگاه در آیه پنجم، به مسئله طلاق ایشان پرداخته و می‌فرماید: اما بدانید اگر پیامبر اکرم ﷺ تصمیم به طلاق شما بگیرد، نه تنها آسیبی متوجه او نخواهد شد بلکه من که پروردگار او هستم، ازدواجی بهتر از شما نصیبیش خواهم کرد: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ أَنْ يَنْدَلِهُ أَزْواجًا خَيْرًا مُّنْكَنِ...».

باتوجه به آنچه آمد، سیر داستان سوره را می‌توان چنین بیان کرد: پیامبر اکرم ﷺ مطلبی را به صورت سرّ به یکی از همسران خود بیان می‌کند: «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيَّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا»، آن زن سرّ را برای یکی دیگر از همسران پیامبر ﷺ افشا کرده (فَلَمَّا نَبَاتَ بِهِ وَمَقْدَمَاتُ توطُّهِهِ عَلَيْهِ پِيَامْبَرُ ﷺ رَا فَرَاهُمْ وَدَرَأَنَا اقْدَامَتِي رَا آغَازْ می‌کنند.

خداؤند پیامبر اکرم ﷺ را بر تمام اقدامات و توطه‌های ایشان آگاه کرده (أَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ) و پیامبر اکرم ﷺ نیز از یک سو گوشه‌ای از ماجرا را بیان می‌کند: «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَغْرَضَ عَنْ بَعْضِهِ» و از دیگر سو، تصمیم به طلاق همسران خیانتکار خویش برای دفع ریشه فتنه می‌گیرد. آن دو زن، پیامبر اکرم ﷺ را تحت فشار قرار داده و توبه خود از این کار را منوط به سوگند خوردن پیامبر اکرم ﷺ مبنی بر حرام کردن طلاق ایشان بر خود کرده و پیامبر اکرم ﷺ را در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد، تهدید به ادامه تبانی و تظاهر می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ از روی کمال بزرگواری و برای مصلحت امت، پیشنهاد ایشان را می‌پذیرد.

در این هنگام، سوره نازل شده و وحی الهی به مدد پیامبر اکرم ﷺ آمده و همه نقشه‌های ایشان را نقش بر آب می‌کند: خداوند ابتدا پیامبر را به شکستن سوگند خود دعوت کرده (آیه اول و دوم)؛ آنگاه به مؤمنان رو کرده و ایشان را از ماهیت خیان کار

این دو زن باخبر می‌کند(آیه سوم). وحی الهی سپس رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر اکرم ﷺ تعیین کرده بودند، پاسخ داده(آیه چهارم) و آنگاه ایشان را تهدید به طلاق کرده و وعده همسرانی مؤمن و فرمانبردار را به پیامبر اکرم ﷺ می‌دهد(آیه پنجم).

در ضمن، آنچه درباره سرّ از آیات سوره می‌توان فهمید این است که این سرّ، قطعاً امر مهمی بوده که آن همسران خائن با افشاری آن، توانسته‌اند دست به توطئه‌ای علیه پیامبر اکرم ﷺ بزنند. اما اینکه به‌طور خاص آن سرّ چه بوده، سوره درباره آن ساخت است؛ جز اینکه شاید آن قسمت از داستان توطئه که پیامبر اکرم ﷺ از اعلان آن به همه مردم خودداری کردن، همین سرّ بوده است. مرحوم شیخ مفید در پاسخ به این سؤال که سرّ در این سوره چه بوده، چنین پاسخ می‌دهد: «اینکه آن سرّ چه بوده، از تکلیف ما ساقط است؛ زیرا قرآن گویای آن است که آن مطلب، سرّ پیامبر اکرم ﷺ با همسرش بوده است و وحی الهی بیان نکرده که آن سرّ بعد از این جریانات، شایع شده است.» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)

البته از آیه ششم سوره به‌دست می‌آید که این سرّ و توطئه بعد از افشاری آن، به‌گونه‌ای بوده که امکان داشت، مؤمنان و خانواده‌های ایشان در دام آن بیفتند (میرباقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۷-۱۸۸) و از آیه هشتم سوره فهمیده می‌شد که کسانی که در این امر آلوده شده‌اند، باید توبه کنند؛ آن‌هم توبه‌نحو، یعنی توبه‌ای کاملاً خالص و بدون تزلزل و سستی(مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۲، ص ۱۴۰) و بدون بازگشت.(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳۲) و آیه نهم بدین امر اشاره دارد که فضای به‌وجودآمده و توطئه‌های کفار و منافقان بعد از آن، به‌گونه‌ای است که نیاز به تلاش مجدانهٔ پیامبر اکرم ﷺ و غلطت ایشان در برخورد با کافران و منافقان در راستای ختنی کردن توطئه‌های ایشان، دارد. این‌ها همه به این اشعار دارند که آن سرّ، امری حیاتی از امور اسلام و مسلمین است.

نکات فوق و اشارات برخی اخبار سبب نزول که البته گاه به‌شكل تحریف‌گونه آمده است و قبلًا بدان اشاره شد، برخی از محققان را به این نتیجه رسانده که آن سرّ چیزی نمی‌تواند باشد؛ جز امر خلافت پیامبر اکرم ﷺ و ادامه راه رسالت ایشان؛

از این رو توطئه بیان شده در سوره که با افشاری سر توسط برخی همسران پیامبر اکرم ﷺ آغاز شده و کفار و منافقان در پیشبرد آن دخیل شده‌اند، توطئه‌ای درباره مسئله خلافت پیامبر اکرم ﷺ بوده است. پس به همین سبب است که آیات شش تا هشت سوره، مؤمنان و اهلسان را بر حذر می‌دارد که در این دام اسیر و در این توطئه به‌گونه‌ای شریک شوند؛ و گرفتاران در این توطئه را به توبه‌ای نصوح دعوت می‌کند.(نک: بلاغی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۴۲-۴۷؛ عسکری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳-۳۴؛ میر باقری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۶-۱۹۲)

### نتیجه‌گیری

۱. باتوجه به اضطراب متن و تعارض‌های اخبار سبب نزول سوره تحریم و مخالفت عمده آن‌ها با ظواهر و سیاق آیات سوره، به‌نظر می‌رسد این اخبار از سوی مخالفان، جعل یا تحریف شده‌اند. پنهان داشتن انگیزه‌ها و ابعاد توطئه موردنظر در ماجراهی سوره، می‌تواند داعی و انگیزه این جعل و تحریف به‌شمار رود.

۲. خطوط کلی سبب نزول سوره تحریم براساس دلایل طرح شده در تحقیق حاضر چنین است: دو تن از همسران پیامبر اکرم ﷺ با افشاری سری مهم از اسرار پیامبر اکرم ﷺ توطئه کرده و پیامبر اکرم ﷺ را که از طرق غیبی از آن آگاه شده و در صدد طلاق ایشان برآمده، به تحریم طلاق خود و ادار کرده‌اند. وحی الهی در سوره تحریم، ماجرا را برای امت اسلامی افشا و پیامبر اکرم ﷺ را به شکستن این تحریم، دعوت و با عتابی شدید، آن همسران را به توبه و ترک توطئه علیه پیامبر اکرم ﷺ توصیه کرده است. این سوره از سوی دیگر، همه مؤمنان را از افتادن در این ورطه، بر حذر و درخصوص خطا احتمالی گذشته خود در این مسیر، به توبه حقیقی توصیه کرده و پیامبر اکرم ﷺ را به جهاد غلیظ علیه کافران و منافقان مأمور کرده است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. صمغی است از درخت گرفت که شیرین است، اما بوی بدی دارد.(از هری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۲)

---

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، نویسنده مسئول /

mohammadbarzegar@gmail.com

۲. جعل کامل یعنی حدیث وجود خارجی نداشته و به طور کامل جعل شده است. جعل جزئی یعنی تغییر واژگان حدیث یا افزودن واژه‌هایی بر متن حدیث یا کاستن از آن و جعل مجموعی یعنی جعل چند حدیث در کنار یا بدنیال هم. (مسعودی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۶-۱۵۱)

### منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ازهri، محمد بن احمد، تهذیب اللّغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، استانبول: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۱ق.

۵. بلاغی، سید عبد الحجت، حجۃ التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ش.

۶. جوادی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.

۷. ——، شمس الورحی تبریزی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.

۸. حسینی فاطمی، سید علی، «نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود درباره افشاء راز پیامبر ﷺ در آیات ابتدایی سوره تحریم»، نشریه تاریخ در آینه پژوهش، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۱۱، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۳-۱۳۰.

۹. خامه‌گر، محمد، و جواد سلمانزاده، «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۳، ۹۶-۱۲۳، ص ۹۶-۱۳۹۲ش.

۱۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۱. صدر، سید موسی، و حسن ریانی، «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۱، ۱۳۷۴ش، ص ۷۹-۱۰۶.

۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱۳. ——، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق و تصحیح محمدباقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجتمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

۱۷. طوosi، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عامل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۸. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.

۱۹. عاملی، جعفر مرتضی، حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم، ترجمه سید حسن اسلامی، قم: دفتر

- انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۲۰. عسکری، سید مرتضی، سقینه، تهران: انتشارات علامه عسکری، ۱۳۹۰ش.
  ۲۱. ———، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: انتشارات دانشگاه اصول دین، ۱۴۲۴ق.
  ۲۲. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
  ۲۳. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسان الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
  ۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایر، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
  ۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الكافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
  ۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
  ۲۷. مسعودی، عبدالهادی، وضعن و تقدیم حدیث، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹ش.
  ۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
  ۲۹. معرفت، محمد هادی، تفسیر اثری جامع، ترجمه جواد ایروانی، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۹۰ش.
  ۳۰. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریه، تحقیق و تصحیح کنگره شیخ مفید، قم: بی‌نا، ۱۴۱۳ق.
  ۳۱. ملاحويش آل غازی، عبد القادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
  ۳۲. میر باقری، سید محسن، ظاهر قرآن باطن قرآن، تهران: نشر محمد ﷺ، ۱۳۹۰ش.
  ۳۳. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت ﷺ، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹ش.
  ۳۴. نفیسی، شادی، علامه طباطبائی و حدیث، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
  ۳۵. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ج ۲، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۸ش.
  ۳۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول الآیات، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاه للنشر والتوزیع، ۱۳۸۸ق.